

اثرات اقتصادی سرمایه های اجتماعی



از زمان انتشار شاهکار پوتنان (Putnan-1993)، سرمایه اجتماعی (Social Capital) نه تنها در زمینه توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه قرار گرفته شد. البته اهمیت عوامل اجتماعی از زمان های بسیار دور مورد بحث بوده است. به نحوی که در قدیم‌الایام سرمایه‌های اجتماعی مانند نظم، اعتماد و... از اصول ارزشمند جامعه به حساب می‌آمده‌اند برای مثال در قرن هفتم میلادی، زمانی که نخستین قیمت‌های ایجاد شده، سنگ بنای اولین نهادهای اقتصادی را می‌نهاد، یکی از اصول 17 گانه موجود در نظام اجتماعی - اقتصادی ژاپن این چنین بود که: هماهنگی بالاترین درستی‌کاری است. هدف این مقاله معرفی و توضیح کانال‌هایی است که از طریق آنها سرمایه های اجتماعی بر نحوه عملکرد عوامل اقتصادی اثر می‌گذارد. سپس به بررسی این نکته که کانال های بیان شده تا چه حد در معرض تحلیل های اقتصادی قرار گرفته اند پرداخته می‌شود. در نهایت نیز از بین آنها، مهم ترین کانال های تأثیرگذاری و آنهایی که به عنوان چالش های جدیدی برای اقتصاد مطرح شده اند، معرفی می‌شود.

در این مقاله به دو دلیل در مورد تعریف سرمایه اجتماعی صحبت نمی‌کنیم، نخست اینکه در این مورد فراوان صحبت شده و دوم به خاطر هدف اصلی مقاله، که می‌خواهد تمام جنبه‌هایی که از نقطه نظر اقتصادی با مبحث سرمایه اجتماعی مرتبط است را بررسی کند. با این وجود بازگو شدن تعریف OECD در مورد سرمایه اجتماعی منمترنم خواهد بود:

سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در هم تنیده از هنجارها، ارزش‌ها و ادراک‌های مشترک افراد جامعه است که همکاری و تعامل بین آنها را تسهیل می‌کند. در بحث حول سرمایه اجتماعی، ضروری است که بین دو مفهوم تفکیک صورت بگیرد یکی مواردی که سرمایه اجتماعی را به صورت متغیرهایی مانند اعتماد و اطمینان (Trust) و عضویت (membership) در نظر می‌گیرند و دیگری مواردی که غیرقابل مشاهده ولی در عین حال بسیار مهم هستند که پس از تعامل با یافته‌های اجتماعی موجود در جامعه، تبلور یافته و بر سرمایه های اجتماعی گروه اول تاثیر می‌گذارند. ما برای تفاوت گذاشتن بین این دو، گروه اول را سرمایه های اجتماعی V و گروه دوم را سرمایه های اجتماعی U می‌نامیم. طبق تعریف، مطالعات کاربردی در مورد مفهوم اقتصادی سرمایه های اجتماعی، به تحلیل رابطه بین سرمایه های اجتماعی V و متغیرهای اقتصادی مرتبط که ما آنها را E می‌نامیم، می‌پردازد. در بحث حول سرمایه های اجتماعی مهم است که بدانیم هدف ما بررسی رابطه U و E یا رابطه E و V است که در این مقاله ما درصدد بررسی نحوه اثرگذاری گروه U بر E هستیم.

به منظور تفاوت گذاشتن بین عوامل محض (Formal factor) و عوامل غیرمحض، من اهمیت بیشتر را به عوامل غیر محض دادم زیرا عوامل محض مانند سیستم قانونی به وضوح دارای دلالت و مفهوم اقتصادی هستند و بر این اساس همواره در تیرس تحلیل های اقتصادی قرار دارند. البته این مطلب به آن معنا نیست که در بررسی اقتصادی عوامل اجتماعی غیرمحض، بتوانیم نقش عوامل محض را نادیده بگیریم. در واقع می‌توان گفت عوامل غیرمحض، عوامل محضی هستند که هنوز به صورت رسمی و قانونی تدوین نشده و در نتیجه به شدت تحت تأثیر عوامل محض قرار دارند.

2- کانال های امکان پذیر برای اقتصاد (تحلیل کلی)

از آن جایی که در مورد نحوه و میزان اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر عملکرد اقتصادی، تحلیل های فراوانی صورت گرفته است، آنها را تکرار نکرده و تنها به برخی نکات مهم آن اشاره می‌کنیم.

به طور کلی باید گفت که تحلیل رگرسیونی نمی‌تواند بدرستی رابطه علت و معلولی مطلوب ما را نشان دهد. برای رویارویی با این ناتوانی 2 روش پیشنهاد شده است. نخست روش تجربه محور (experimental) و دوم تست علیت گرانجر (Granger). متأسفانه استفاده از هر دو این روشها برای سرمایه های اجتماعی مشکل است. در واقع تعاملات و ارتباطات چند جانبه افراد در یک جامعه واقعی به حدی گسترده و متنوع است که نمی‌توان آنها را در سایه روش تجربه محور جمع بندی و بررسی کرد و همچنین اندازه گیری سرمایه های اجتماعی چه در مورد میزان صحت و دقت عملکرد آنها و چه در مورد زمان تکرار و فراوانی آنها، غیرشفاف بوده و از دقت لازم برخوردار نیست. در نتیجه اکثر تلاشهای تجربی صورت گرفته در حد یک تحلیل رگرسیونی متداول بوده که آنها هم به علت ناتوانی بیان شده، میدان را برای مطرح شدن بحث های متقابل و متناقض باز گذاشته اند.

سرمایه های اجتماعی به علت ماهیت خاص خود غالباً به صورت گروهی و نه به صورت فردی معرفی می‌شوند. بر این اساس برای تخمین نحوه و میزان اثرگذاری آنها نیاز است که عوامل کنترلی مناسب که دارای ماهیت فردی بوده ولی در عین حال می‌توانند اثرگذاری گروهی را نیز نشان دهند، انتخاب شوند. این خود یکی از اولین موانع برای تحلیل تجربی سرمایه های اجتماعی است. همچنین در این راستا به غیر از مشکل انتخاب می‌توان به مبهم و غیرشفاف بودن مفهوم سرمایه های اجتماعی، ماهیت غیرمحض و نیز ماهیت درونزا بودن سرمایه های اجتماعی و در نهایت امکان نادیده گرفته شدن برخی متغیرهای مهم تأثیرگذار، به عنوان دیگر موانع موجود در مسیر یک تحلیل رگرسیونی صحیح برای سرمایه های اجتماعی اشاره کرد.

با این وجود متغیرهای مربوط به سرمایه های اجتماعی می‌توانند بسیاری از تغییراتی که حسابداری رشد نئوکلاسیک ها از توضیح آن ناتوان بوده است را به خوبی توضیح دهند.

البته رابطه توضیحی بیان شده توسط سرمایه های اجتماعی می‌تواند یک رابطه کاذب باشد ولی این مطلب نمی‌تواند نقش فرضیه های مربوط به سرمایه های اجتماعی، به عنوان یک نقطه شروع مناسب برای رسیدن به دلایل توضیح دهنده اصلی را مخدوش کند.

بررسی مثال دیگر "تغییرات بزرگ توضیح داده نشده" (remaining large Variable) را می‌توان در بررسی تغییرات قیمت املاک واقعی پس از اینکه به وسیله متغیرهای

اقتصادی کنترل شده است، جستجو کرد. اوموری (Omori-2001) نشان داد که قیمت های معاملاتی مربوط به آپارتمان های دست دوم در توکیو پس از کنترل اندازه و عمر ساختمان، زمان مسافرت تا محل کار و غیره، بسیار تغییر کرده است. این نتیجه با این مقدمات که حجم نمونه انتخابی به حد لازم بزرگ بوده است، ضریب تخمینی معادله هدونیک (Hedonic) از لحاظ آماری معنادار بوده است و نهایتاً اینکه ترکیب نژادی مناطق زیاد تغییر نکرده است بدست آمده است. با لحاظ این حقیقت که برخی عوامل مهم در تغییر قیمت آپارتمان مانند کیفیت، کمیت تسهیلات عمومی تغییر چندانی نداشته است، نشان می دهد که عوامل مهم دیگری برای توضیح تغییرات عمده در قیمت ها، نیاز است. بدون شک می تواند سرمایه های اجتماعی محلی و تغییر در آسیب پذیری ساختمانها در برابر بلایای طبیعی مانند زمین لرزه های مهیب از مله عوامل مهم در این زمینه است.

حال که نگرش کلی در مورد سرمایه های اجتماعی مطرح شد، به نگرش اقتصاد خردی اولیه که به بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر رفتار بنگاهها، خانوارها و دولت، می پردازد برمی گردیم.

کانالهای اقتصاد خرد - تجارت

سرمایه های اجتماعی و به ویژه مواردی مانند اعتماد می تواند هزینه های معاملاتی، هزینه های کسب اطلاعات و هزینه های مربوط به فعالیت های قانونی را کاهش می دهد. سرمایه های اجتماعی به شخص کمک می کند تا بتواند هزینه تشخیص احتمالات مختلف و بررسی شرایط آنها را مقرون به صرفه کند. جامعه ای که از سرمایه اجتماعی اعتماد و اطمینان بهره می برد، می تواند از طریق تضمین عملکرد و اجرای قراردادها، هزینه های مربوط به سیستم قانونی را نیز کاهش دهد. البته این سکه روی دیگری نیز دارند و آن اینکه بنگاههای اقتصادی بیشتر مایل هستند با شرکای مطمئن همکاری کنند. این تمایل سبب کاهش رقابت شده و حتی گاهی به فنا شدن امتیازات حاصل از معامله با شریک تجاری جدید می شود.

سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد دو طرفه، ارزش ها و ادراکات مشترک باعث سودمندتر شدن مذاکرات بین طرفین معامله می شود. اگر تعداد خریداران و فروشندگان حاضر در قرارداد، کم باشد، معاملات بیشتر به صورت مذاکره و گفتگو انجام می شود. در این حالت هیچ تضمینی برای اجرای اصل بهینه پاراتو وجود ندارد، ولی وجود اعتماد بین طرفین قرارداد به عنوان یک سرمایه اجتماعی می تواند به آنها برای رسیدن به بهینه پاراتو کمک کند.

سرمایه های اجتماعی، همچنین تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل کند که این خود به کارا شدن هر چه بیشتر تخصیص پویایی منابع کمک می کند. غالباً گفته می شود که طرح های اقتصادی موجود در اقتصاد مبتنی بر بازار، تنها طرح های خیر و علامت دهنده هستند. زیرا که این طرحها علیرغمی که فعالیت های مطلوب و امکان پذیر را نشان می دهد ولی در عمل هیچ گونه قدرت قهری برای انجام این فعالیتها به بخش خصوصی نمی دهد، ایجاد نمی کند. حال اگر در همین بازار فرض کنیم سرمایه ای اجتماعی مانند اعتماد وجود دارد. در این حالت اگر، تبادل اطلاعات با هدف فراهم شدن رضایت عمومی همه عوامل بازار، صورت بگیرد، کارایی کلی فعالیت ها تقویت خواهد شد. برخلاف نظریه غالب موجود در کتب اقتصادی که مکانیزم بازار را کارآمد می داند، یک پیش شرط در این مسیر وجود دارند و آن اینکه ابتدا باید بازاری وجود داشته باشد تا بعد در مورد کارایی آن صحبت شود در حالی که با توجه به اینکه جهان واقعی پر از نااطمینانی است، تحقق این پیش فرض با تردید روبرو است. اگر افراد بازار با یک مجموعه اطلاعات مناسب از شریک تجاری خود تجهیز شوند مثل اینکه نحوه عکس العمل وی به تغییر در محیط زیست را بدانند، می تواند روابط تجاری خود را به نحو مناسب تر شکل دهند تا اینکه صرفاً تمام اطلاعات خود را از طریق تغییر در قیمت قراردادها کسب کنند.

سرمایه های اجتماعی باعث می شود که اقتصاد بتواند از امتیازات ناشی از اثرات بیرونی شبکه ای (network externalty) سود ببرد. این در حالی است که هر شبکه با ریسک های خاص خود مانند شوکها و فشارهای بیرون از شبکه و اختلافات درون شبکه ای و غیره روبرو بوده است. این ریسکها با بزرگ شدن اندازه شبکه، رشد می کنند و حتی گاهی به عامل فشاری برای اندازه بهینه شبکه تبدیل می شوند. سرمایه اجتماعی به علت ماهیت خاص خود می تواند در این مورد نیز ریسک های مخرب را کاهش دهند.

رمایه های اجتماعی همچنین نقش مهمی در اداره بنگاهها بازی می کنند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاهها است. سرمایه های اجتماعی شناخته شده را می توان در هر تشکیلاتی یافت و در واقع وجود همین سرمایه ها است که باعث شده است تشکیلات مالی مختلف به جای اینکه خود را به سادگی براساس ترکیبی از عوامل فیزیکی تولیدی که به صورت جداگانه از بازارهای مرتبط خود خریداری شده اند شکل دهند، برنامه ریزی خود را براساس خود تولید قرار می دهند زیرا که تولید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی وابسته است، تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز است. تجربه ناخوشایند کمپانی های نفتی آمریکا و شرکتهای مواد غذایی ژاپن نشان می دهد که در صورت لحاظ نکردن نقش سرمایه های اجتماعی، وضع قوانین مدرن برای همکاری هر چه بیشتر در مؤسسات اقتصادی نمی توانند تضمین لازم برای اداره شدن مناسب بنگاهها را فراهم آورند.

سرمایه های اجتماعی می تواند حتی از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصتهای تجاری مناسبی به وجود آورده اساساً وجود سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد دوطرفه از ضروریات یک تجارت جدید محسوب می شود. برای مثال یک ایده و یا یک طرح جدید خوب به راحتی می تواند مورد معامله قرار گیرد، ولی متأسفانه سیستم قانونی محافظت از دارایی هایایی فکری به حد لازم قوی نیست لذا در مراحل اولیه چنین معامله ای اگر اعتماد لازم وجود نداشته باشد، احتمال سرقت طرح وجود دارد. در مراحل بالاتر و همکاری های وسیعتر نیز این چنین است. اگر دو بنگاه بزرگ برای همکاری در زمینه یک محصول جدید بخواهند اطلاعات همدیگر را دریافت کنند، لازم است که در تبادل اطلاعات صراحت و راستگویی کامل که از جمله سرمایه های اجتماعی شناخته محسوب می شود، وجود داشته باشد. امروزه در ژاپن مجموعه بنگاههایی به نام کی برتسو (Keiret su) وجود دارد که اعضا آن از طریق همکاری بلندمدت و سیستم سهام متقابل از تبادل کامل اطلاعات بین همدیگر سود می برند. البته نقطه ضعف این مجموعه که از همکاری بلندمدت آنها ناشی شده است، نداشتن نگرش باز و بسنده کردن به شرکای قدیمی و عدم تمایل به همکاری جدید از جمله شرکتهای خارجی است. به همین دلیل است که شرکت کیرتسو در حال نزول است و اعضاء اولیه آن درصد یافتن راههای جدید همکاری هستند، چیزی که سرمایه های اجتماعی می توان نقش مهمی در آن داشته باشد.

سرمایه های اجتماعی می تواند به جوامع محلی کمک کند تا خود را از دیگران متمایز کنند که این روند در نهایت می تواند به ایجاد فرصتهای جدید تجاری و پیدایش فرهنگ های جدید محلی منجر شود. اگر منطقه ای یک محصول یا ویژگی خاصی دارد می تواند با جذب افراد متمایل به آن، زمینه تعامل بیشتر افراد و امکان فعالیت های جدید تجاری را در کنار فرهنگ جدید نیز فراهم کند. البته شروع چنین فرایندی برای انجمن های محلی مشکل است زیرا که وجود تمایلات متفاوت به صنایع و فعالیت های مختلف مانع اجماع نظر نهایی می شود. تنها زمانی که همه افراد و ساکنان نظر یکسانی داشته باشند، مسئولین می توانند قوانین فرعی مناسب برای آن منطقه وضع کنند مانند اینکه همه ساختمانهای منطقه به سبک و بلندی یکسان ساخته شود. وجود سرمایه های اجتماعی می تواند نقش مهمی در تحقق این اجماع نظر، بازی کند.

سرمایه های اجتماعی همچنین دلیل مناسبی برای وجود تفاوت بین ارزش جاری شرکت (going concern value) و ارزش آن هنگام انحلال (liquidation value) است.

اگر بنگاه بتواند بر سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد و اعتبار، ماهیت شبکه ای خود و ... تکیه کند می تواند ارزش جاری خود را در مقایسه با ارزش انحلال خود بالا ببرد. سایر اطلاعات مسئولین بنگاه مانند آگاهی از توانایی ها و ویژگی های فردی کارکنان و آگاهی از اینکه چگونه یک شبکه متشکل از نیروها را می توان در راستای کارایی بالاتر، تقویت کرد از دیگر عوامل ارتقاء ارزش جاری شرکت است. البته هنوز در این مورد که آیا آگاهی از روشهای تقویت شبکه جزء سرمایه های اجتماعی محسوب می شود یا نه بحث و گفتگو وجود دارد. بنگاهی که بین ارزش جاری آن و ارزش انحلال آن تفاوت وجود دارد می تواند به دو دلیل سرمنشا مشکلات مربوط به وام باشد. نخست اینکه وامی که بانک به بنگاه می پردازد براساس ارزش جاری شرکت است. حال ارزش جاری شرکت و سرمایه های اجتماعی متناظر با آن می تواند به علت دلایلی که ذکر خواهد شد به سرعت تغییر کرده و کاهش یابد. در این حالت نقدینگی شرکت آن قدر نخواهد بود که بتواند وام را پرداخت کند. دوم اینکه در برخی جاها و بخصوص کشور ژاپن بخش عمده ای از قراردادهای اجتماعی براساس تمایلات کمپانی استخدام کنند تنظیم می شود. در نتیجه انحلال شرکت نه تنها کارگران را از انتفاع از مهارتهای خاص بنگاهی بلکه از سرمایه های اجتماعی ناشی از ویژگی های خاص از بنگاه محروم می کند. در این حالت هزینه های اجتماعی انحلال شرکت بسیار بیشتر از ضرری است که بر سهامداران شرکت تحمیل می شود.

سرمایه های اجتماعی، به ویژه سطح امنیتی جامعه، بعضی فعالیت های تجاری را سودآور و برخی را غیرسودآور می کند، به نحوی که برخی فعالیت ها را می توان براساس وزن سرمایه های اجتماعی داخل آن از بقیه جدا کرده و آنها را سرمایه اجتماعی محور نامید (Social capital intensive). مثال بارز ما در اینجا هتل کیسولپی ژاپن (که در آن مسافران در مکانهای ویژه ای که هیچ گونه قفل ایمنی ندارد اقامت می کنند) و یا فروشگاههای تسهیلات دهند، شبانه است. مثالهای مذکور تنها در این حالت خاصی که هستند سودآور هستند و هزینه بیشتر برای امنیت آنها، کل مجموعه را به فعالیت ضرردهنده تبدیل خواهد کرد. سرمایه های اجتماعی برای صنعت توریسم نیز بسیار حایز اهمیت است. میهمان نوازی ساکنان یک منطقه اثر مستقیمی بر جذابیت آن منطقه برای جهانگردان دارد. رسوم و فرهنگ محلی و منحصر به فرد بودن ویژگی های منطقه نیز از عوامل دیگر جذابیت محل است. همان طور که بعداً تشریح خواهد شد این عوامل ارتباط عمیقی با سرمایه های اجتماعی دارد. در مقابل برخی فعالیت ها تنها در صورت ضعیف بودن سرمایه های اجتماعی در جامعه سودآور می شوند. برای مثال خدمات محافظت شخصی در صورتی که سیستم امنیت عمومی ضعیف باشد، سود سرشاری خواهد داشت البته باید گفت علیرغم اینکه در سیستم متداول حسابهای ملی، اینگونه خدمات جزء درآمدهای ملی محسوب می شوند ولی در کل جامعه ای که کمتر به این نوع خدمات نیاز داشته باشد بهتر از حالت قبلی بوده و درآمد بالاتری کسب خواهد کرد.

از دیگر ویژگی سرمایه های اجتماعی این است که باعث رشد خود نیز می شود. برای مسئولین برگزارکننده یک گردهمایی آزاد این ریسک وجود دارد که یک نفر بخواهد انتقادهای شدید و غیرمتناسب با جلسه را به میان بکشد و یا اینکه کسی بخواهد از این فرصت در جهت تبلیغ برای خود یا گروه خاصی استفاده کند. در نتیجه در یک جامعه که سطح اطمینان و اعتماد به افراد تا حدی نیست که بتوان یک سمینار آزاد در آن برگزار کرد، تشکیل چنین سمینارهایی بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. در نتیجه افراد آن جامعه از فرصت مناسب ایجاد شده برای شناخت بیشتر همدیگر و تبادل صریح نظرات محروم می شوند. این وضعیت مشخص می کند که باید در جامعه یک تعادل چندگانه برقرار شود. از یک طرف از جهت فعالیت های مدنی پویا که به نفع جامعه است به نقطه مناسبی برسیم و همزمان از طرف دیگر مساله حضور افراد مشکل زا که اقدام آنها در نهایت به ضرر جامعه خواهد بود به نحو مطلوبی حل شود. امروزه تکنولوژی جدید ICI توانسته است راهی برای برگزاری سمینارهای فوق بدون ریسک های مذکور بگشاید ولی در اینکه آیا این گونه روش ها می تواند کاملاً جاننشین سمینارهای رایج شود و اینکه آیا می تواند در برون رفت جامعه از این تعادل نامناسب نقشی ایفا کند یا نه تردید است.

کانالهای اقتصاد خرد - خانوارها

سرمایه های اجتماعی از طریق توزیع ریسک، می توانند بر نرخ پس انداز جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس انداز شوند. برای این ادعا چند دلیل وجود دارد. اول اینکه هر چه اعتبار کارهای آینده اقتصاد بالاتر باشد، نرخ تنزیل زمانی در نزد مردم پایین تر می آید. دوم اینکه در جامعه ای که سرمایه های اجتماعی با ذهنیت افراد آن ترکیب شده است، مردم به همان اندازه که به همسایه های خود که دائماً در تماس بالفعل با آنها هستند اهمیت می دهند، نسبت به منفعت و سود بالقوه فرزندان و نوادگان آینده خود نیز حساس هستند و لذا تمایل دارند با پس انداز بیشتر، اموال بیشتری برای آنها فراهم کنند و سوم اینکه تربیت فرهنگی و مذهبی افراد نیز می تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر و همچنین پس انداز بیشتر تشویق می کند.

از طرف دیگر برخی معتقد هستند که سرمایه های اجتماعی به ویژه فعالیت های مربوط به شبکه های خصوصی به عنوان محلی برای توزیع ریسک های فردی عمل نموده و از این طریق سبب کاهش نرخ پس انداز می شوند.

سرمایه های اجتماعی مصرف جمعی جامعه را نیز افزایش می دهند. و این بخاطر این است که در واقع برخی مصارف ماهیت گروهی دارند. برای مثال در اکثر مسابقات ورزشی افراد یک تیم همگی از لباس های یکسان استفاده می کنند و اگر مثلاً تغییری در رنگ و مدل لباس ها ایجاد شود، حداقل به تعداد افراد تیم لباس جدید خریداری خواهد شد.

به علاوه برخی سرمایه های اجتماعی مانند نوع دوستی می تواند هزینه های رزرو کالا و خدمات را کاهش دهد. این حالت زمانی است که یک شخص امکان اینکه دوستان او از کالایی خاص آن هم نه الزاماً به صورت مشترک با وی، استفاده کنند را جزء اصول مورد قبول خود قرار دهد.

سرمایه های اجتماعی می تواند سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی (human capital) را تشویق و سبب ارتقاء چالشهای موجود در این زمینه شود. برای مثال اگر افراد درون یک صنعت از نقطه نظر مصرف کنندگان افراد قابل اعتماد باشند، آن صنعت از طریق کاهش نرخ معیوب بودن در نظر مصرف کنندگان به یک صنعت قابل پیش بینی و مطمئن تبدیل می شود. همچنین وقت شناسی و منظم بودن خدمات راه آهن و پست و اعتبار شبکه خدمات برق و تلفن و حتی بررسی و دقت صادقانه انتقاد مصرف کنندگان همگی مثالهایی از سرمایه های اجتماعی هستند که می توانند سبب رشد سرمایه های انسانی می شوند. این در واقع تصویر اقتصادی است که کشور ژاپن توانسته برای خود بسازد. شرایط اجتماعی مطلوب، زمینه ساز ایجاد اعتماد و اطمینانی در جامعه می شود که آن هم به نوبه خود به تشکیل ساختار مناسب برای سرمایه های انسانی کمک می کند. در این شرایط افراد جامعه نگرانی کمتری از بابت اینکه تلاشهای آنها بخاطر ضعف و قصور دیگران بی پاداش بماند، دارند. سرمایه های انسانی تنها توانایی هایی که یک شخص از طریق آموزش به دست می آورد نیست بلکه گردآوری تجربه ها و استفاده از نتیجه تلاشهای دیگران نیز جزو سرمایه های انسانی محسوب می شود. از آن جایی که سرمایه های انسانی باعث افزایش وثوق و اعتبار تجارت می شوند، قاعداً باید حد آستانه خاصی برای آن وجود داشته باشد. اگر سرمایه های اجتماعی از حد آستانه ای خاصی پایین تر باشند، نبوغ و توانایی افراد به علت فقر موجود در سرمایه های اجتماعی، به ثمر نمی نشیند. در حالی که به طور طبیعی افراد مایل هستند تجارت و یا فعالیت های خود را در کشوری انجام دهند که به تلاش آنها پاداشی در خور آن تعلق بگیرد، و یا اینکه اگر در کشور خود می مانند، مایل هستند که در فعالیتی تلاش کنند که بتواند نبوغ و استعداد آنها را بروز داده و به ثمر رساند.

سرمایه های اجتماعی و بخش دولتی

سرمایه های اجتماعی در مدیریت و خدمات عمومی نقش مهمی ایفا می کند. اداره این امور یا به صورت کنترل سنتی جامعه و یا به وسیله تشکیلاتهای مدرن غیردولتی صورت می گیرد. حالت اخیر در مقایسه با مدیریت صد درصد عمومی و یا سیستم خدمات کاملاً خصوصی، بسته به ماهیت خدمات مورد توجه، دارای کارایی هزینه بالاتری بوده و در رویارویی با چالشهای یکسان، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به دو سیستم مذکور دارد.

سرمایه های اجتماعی خوب، کارایی دولت را افزایش می دهند. اگر مردم مایل باشند کارهای خود را به صورت همکاری مردمی و بدون دخالت دولت انجام دهند، فعالیتهای دولت روان تر و از بار مالی تحمیل شده بر دولت کاسته می شود. اخیراً دولت ژاپن یک سیستم جمع آوری اطلاعات ایجاد کرده است که در آن از افرادی که در موقعیت مالی مناسب و موفق قرار دارند خواسته می شود که براساس مشاهداتشان از وضعیت های مختلف اقتصادی، تحلیل خود را از آن ارائه دهند. پاسخهای بدست آمده از این سیستم بسیار قابل اعتماد و حاوی اطلاعات مفید و آموزنده است.

از جمله فایده های غیراقتصادی سرمایه های اجتماعی کاربرد آن در توازن مالی است همه می دانند که ارتباط مثبتی بین سطح فعالیتهای اجتماعی و وضعیت سلامت، طول عمر و شادابی و نشاط افراد جامعه، برقرار است. برای مثال وقتی از افراد مسن سرزنده و سرحال دعوت می شود که در یک گردهمایی محلی شرکت کنند، اثر حضور آنها می توانند سبب کاهش مصرف خدمات پزشکی بلندمدت که غالب افراد درگیر آن هستند، بشود. که این خود به توازن مالی دولت کمک می کند.

سرمایه های اجتماعی ارزش زمین را نیز افزایش می دهد. در مباحث بعدی بحث دقیقی در مورد اجاره بها خواهیم داشت ولی آنچه باید در اینجا اشاره کرد این است که سرمایه های اجتماعی موجود در یک منطقه بر ارزش آن منطقه تاثیر می گذارد. زیرا که وقتی اهالی یک منطقه یک سرمایه اجتماعی مانند تمایل به مراقبت و حمایت از یکدیگر را سرلوحه کار خود قرار دهند، هر تازه واردی برای آن که بتواند در این محل اقامت کند مجبور است این منش اجتماعی را بپذیرد. در نتیجه در حالت کلی ورود به این منطقه یعنی برخورداری شدن از یک سپهر حمایتی مردمی که این خود سبب افزایش قیمت زمینهای آن منطقه می شود.

افزایش میزان ساکنان مالک خانه نیز با سرمایه های اجتماعی مربوط به زمین در ارتباط است، بررسی ها نشان می دهد که ساکنانی که مالک خانه هستند بیشتر از ساکنان اجاره نشین تمایل به مشارکت در بهبود وضعیت محیط زندگی خود، نشان می دهند. دلیل بی تمایلی اجاره نشین ها، انتظار جایجا شدن آنها به محل دیگر است. افزایش و رشد سرمایه های اجتماعی مربوط به زمین باعث می شود که این انتظار رفته رفته جایی خود را به تمایل به سکونت دائمی بدهد و لذا بر تعداد مالکان خانه افزوده شود.

سرمایه های اجتماعی همچنین از طریق درآمد بالاتر، برای منطقه خودکفایی اقتصادی نیز به ارمغان آورد. برای مثال از جمله وظایف پول داخلی، قوی تر کردن نیروهای اقتصادی مرکز محور برای مسئولین داخلی و نیز ارضاء احساس تعلق به یک وطن برای مردم عادی جامعه است. در عین حال وجود پول مشترک داخلی سبب روان شدن و آسان تر شدن همکاری های دو جانبه بین افراد جامعه می شود. لذا در حالت کلی معرفی یک پول داخلی واحد برای همه افراد درون یک کشور سبب می شود هم سیاست های اقتصادی مسئولین و هم تبادلات بین مردمی راحت تر و بهتر صورت بگیرد که حاصل آن در نهایت رشد وضعیت معیشتی و نهایتاً خودکفایی است.

آیا سرمایه های اجتماعی واقعاً سرمایه هستند؟

سرمایه های اجتماعی در واقع تعمیم معنایی سرمایه های انسانی است. هر چند که آنها ممکن است برخی خصوصاتی که سایر سرمایه ها دارند را نداشته باشند. برای حصول به نتیجه بهتر، برخی از خصوصیات کلای سرمایه ای را برای سه گروه سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی بررسی می کنیم. انعطاف پذیری: آیا سرمایه های اجتماعی می تواند به صورت انعطاف پذیر با سایر عوامل دخیل در تولید مانند نیروی کار، سرمایه های فیزیکی پیش بینی شد، ترکیب شوند. میزان منفعت حاصل از کاربرد سرمایه های اجتماعی چقدر است، پاسخ این سؤالها بستگی به نوع فعالیت دارد. فعالیت های اقتصادی زیادی وجود دارد که بروز سرمایه های اجتماعی در آن نمایان نیست در حالی که سرمایه های فیزیکی و انسانی جزء عوامل اساسی در این فعالیت ها هستند. به هر حال از لحاظ تطبیق پذیری واقعی، سرمایه های اجتماعی می توانند بسیار منعطف باشند زیرا که شالوده تشکیل آنها به نحوی است که می توانند برای اهدافی متفاوت از اهداف اولیه نیز کاربرد داشته باشند.

نرخ استهلاک: استهلاک سرمایه های اجتماعی برخلاف سرمایه های فیزیکی، ارتباطی با میزان تولید ندارد. در حقیقت سرمایه های اجتماعی با افزایش مصرف افزایش پیدا می کند و از این جهت شاهد نرخ استهلاک منفی هستیم. برای مثال زیاد بودن تعداد قرارداد بین دو شریک باعث افزایش اعتماد دوطرفه می شود و یا تداوم بسج نیروهای یک مجموعه به شدت بر عملکرد مثبت آنها تأثیر می گذارد. در عین حال مسأله منسوخ شدن سریع این سرمایه ها نیز بحث و جایگاه خاص خود را دارا است. برای مثال در بحران مالی 1997 ژاپن، مردم به سرعت اعتماد خود را از دست دادند. طبیعی است که با تغییر در تکنولوژی و تقاضا فرایند منسوخ شدن برای سرمایه های انسانی و فیزیکی نیز رخ می دهد ولی در عین حال زمان آن بسیار کندتر از سرمایه های اجتماعی است.

عدم هماهنگی، سرمایه های اجتماعی می تواند به عنوان مانعی برای کارا بودن فعالیت های اقتصادی عمل کند. ما در اطراف خود شاهد هستیم که چگونه هماهنگ نشدن تکنولوژی های مدرن با سرمایه های اجتماعی، باعث بروز نتایج نامطلوب در اهداف توسعه ای شده است. سرمایه های اجتماعی حتی می تواند مانعی برای توسعه فعالیت اقتصادی شود، برای مثال می توانده بحث استیگلینر (1998 Stiglitz) در مورد صنعت بیمه اشاره کرد. این مشکل در مورد سرمایه های انسانی و فیزیکی وجود ندارد زیرا که به راحتی می توانیم سرمایه های مشکل ساز و ناهماهنگ را از پروسه تولید کنار گذاشت، کاری که به هیچ وجه نمی توانیم برای سرمایه های اجتماعی انجام دهیم.

چهارم اینکه سرمایه های اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها دارای مفهوم وسیعی است و نمی توان آن را با یک توضیح ساده مشخص کرد. صنایع و فعالیت های متفاوت، هر یک جنبه ای خاص از تعریف سرمایه های اجتماعی را استفاده می کنند. درست است که مثلاً اعتماد دارای یک معنی بسیط است ولی هنگامی که در فعالیتها مختلف قرار می گیرد تعریف و ارزش متفاوتی پیدا می کند. بر این اساس معقولانه نیست که بخواهیم یک ارزش واحد برای سرمایه های اجتماعی بیان کنیم. با توجه به مطالب بیان شده در مورد ویژگی های سرمایه (خلاصه شده در جدول 1) می توان گفت که سرمایه های اجتماعی در مکتب نئوکلاسیک ها، سرمایه محسوب نمی شوند و لذا تعمیم مفهوم سرمایه ای که در تئوری های توسعه یافته آنها وجود دارد به نحوی که سرمایه های اجتماعی را نیز شامل شود، ما را به بیراهه خواهد کشاند.

پیچیدگی و اثرات گروهی

یکی از ویژگیهای سرمایه های اجتماعی این است که بجز برخی سرمایه هایی که قابلیت تملک فردی دارند. (گلاسر آل 2002) بقیه دارای اثرات گروهی هستند. در تحلیل های اقتصادی این مطلب چیز جدیدی نیست. بین سرمایه های اجتماعی و اثرات خارجی شبکه (network externality) که براساس آن ارزش شبکه با افزایش تعداد اعضا افزایش پیدا می کند، ارتباط روشنی وجود دارد.

در ادبیات رقابت انحصاری، فرض بر این است که همه بنگاهها گیرنده متغیرها هستند در حالی که خود این متغیرها به وسیله کنش و واکنش گروهی بنگاهها تعیین می

شوند. بنابراین تصویری که از سرمایه های انسانی مخصوص بنگاه (Firm-specific human capital) وجود دارد به خوبی برای سرمایه های انسانی مخصوص جامعه (Society Specific human capital) قابل استفاده است. در بافت سرمایه های اجتماعی نیز این روال برقرار است. لذا در بحث حول سرمایه های اجتماعی می توان از این تشابه به خوبی استفاده کرد.

اجاره دادن سرمایه های اجتماعی

اگر سرمایه های اجتماعی اثرات منفعت زا دارند، شخص ذینفع چه کسی است؟ جواب این سؤال به 3 عامل بستگی دارد. جهت حرکت اثرات، منشا اثرات و تحرک عوامل. برای بررسی عامل اول از مبحث مشابه در پیشرفتهای فنی استفاده می کنیم. منافع منتج از سرمایه های اجتماعی تولید را به مرزهای فراتر سوق می دهد. البته راههای این توفیق منحصر به فرد نیست در بحث پیشرفتهای فنی انتقادهایی از طرف سولو، هیکس و هارود (Solo, Hicks, Harrod) بر این ملاک ها وارد شده است. مطالعات اقتصاد کلان این توانایی را می دهد که بتوانیم جهت تأثیرگذاری را در هر حالت بشناسیم. هر چند که در بحث حول سرمایه های اجتماعی نمی توان با این قطعیت صحبت کرد. برای مثال این حقیقت که سرمایه های اجتماعی برخلاف سرمایه های فیزیکی یک مساله انسانی است، ضرورتاً ما را به این نتیجه که سرمایه های اجتماعی قوی باعث افزایش کارایی نیروی کار در مدل هارود می شود، نمی رساند. برای توضیح بیشتر 2 شرکت تاکسیرانی خصوصی را در نظر بگیرید. هر دو شرکت راننده و ماشین یکسانی در اختیار دارند. تنها تفاوت در این است که افراد شرکت اول در نگهداری و مراقبت از اتومبیل ها اهتمام بیشتری به خرج می دهند. در نتیجه اتومبیل های شرکت اول به علت کمتر بودن ضربه خرابی، مدت زمان بیشتری در حالت کارا باقی می ماند. در واقع یک سرمایه اجتماعی در نهایت به کارا بودن یک سرمایه فیزیکی منتهی شده است.

عامل دوم بررسی منشاء اثر است. اگر سرمایه مورد توجه سرمایه اجتماعی مخصوص گروه باشد (group-specific human capital) اجاره دادن آن در برابر پول حتی با فرض تحرک نیروی کار امکان دارد. حال اگر این سرمایه ها از خود گروه نشأت گرفته شده باشد، و افراد دیگری نیز اجازه داشته باشند از آنها استفاده کند، تفاوت دستمزد ارائه شده برای آنها در طول زمان به علت تحرک نیروی کار و پویایی نرخ دستمزد، از بین رفته و تفاوتها تنها براساس عواملی که دو گروه را از هم متمایز می کند، خواهد بود. البته این به شرطی است که اثر جمعی سرمایه اجتماعی مورد نظر از خاصیت ویژه منطقه یا گروه سرچشمه گرفته باشد، مثلاً اجاره بها براساس ارزش زمین تعیین شود که طبیعتاً در این صورت زمین گرانتر، اجاره بهای بالاتر نیز دارد.

در پایان این مبحث باید ذکر کرد که با وجودی که بحث بالا، آزمایشی و حالت تجربی دارد ولی در عین حال اینگونه مطالعات در مورد اجاره سرمایه های اجتماعی، ما را قادر می سازد که بهتر بتوانیم سرمایه های اجتماعی را طبقه بندی و شناسایی کنیم.

مطالعات جدید

بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر رانندگان فعالیت های اقتصادی مساله ای که حتی قبل از اینکه اصطلاح «سرمایه های اجتماعی» وضع شود، مورد توجه بوده است. در مورد سرمایه های اجتماعی، علیرغم مشکلات اندازه گیری و ابهامات موجود در راه تصور و ادراک آن، ابزارهایی در اقتصاد وجود دارد که می توان از آنها برای بررسی، اثرات خارجی (Externality)، اثرات گروهی و تعامل بین متغیرهای خرد و کلان استفاده کرد. از این نقطه نظر، سرمایه های اجتماعی می تواند به عنوان چتری که همه مطالب بحث شده قبلی را دربر می گیرد محسوب شود.

به علاوه در مقایسه با سرمایه های فیزیکی و انسانی، سرمایه های اجتماعی کمتر هیأت سرمایه ای دارند و از این لحاظ کلمه سرمایه های اجتماعی می تواند مشکل ساز باشد.

به هر حال سرمایه های اجتماعی، مبحثی است که عناوین چالش برانگیز زیادی در ذیل آن، برای بررسی و بحث وجود دارد. برای این ادعا حداقل 3 دلیل می توان بیان کرد:

1- اینکه سعی می کند اقتصاد را از فروض اقتصادی متداول خود جدا کند.

2- اقتصاد را قادر می کند با ورود تعاملات تکنولوژیکی و اجتماعی نگرش وسیعتری به مسائل داشته باشد

3- و سرانجام باعث می شود اقتصاد روی مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می شود تمرکز بیشتری کند. در ادامه هر سه مورد بیان شده بررسی می شود.

انسان یک موجود اقتصادی نیست

عوامل اجتماعی از فاکتورهای مهم در تعیین ترجیحات هستند. این در حالی است که پروسه حداکثر سازی مطلوبیت در اقتصاد متداول، این عوامل را به منظور ساده سازی، در نظر نگرفته و از این لحاظ همواره مورد انتقاد بوده است. در واقعیت امر، شاهد هستیم که افراد جامعه برای اجتماعی کردن رفتار خود از جمله صحبت کردن، کار کردن، معاشرت کردن و حتی خوردن و آشامیدن، اهمیت خاصی قائل هستند. به علاوه افراد جامعه به هیچ وجه از بازدهی و کارایی عملکرد آتی خود به ویژه در جوامع مدرن امروزی اطلاع دقیقی ندارند. و این در حالی است که نیازهای اساسی مجزا از مسائل اجتماعی مانند، غذا، لباس و خانه تنها بخش کوچکی از بودجه اقتصادی آنها را شامل می شود. در واقع باید گفت که آنچه رفتار و عملکرد ما را در آینده مشخص می کند چیزی مجرد از سایر عوامل نیست بلکه در تعامل با سایر عوامل بوده و به طور همزمان و به طور مستقیم و غیرمستقیم با مردم در تماس بوده و بر آنها تأثیر می گذارد. به علاوه هر کسی که تجربه کار در یک تشکیلات بزرگ را داشته باشد می داند که بهره وری کارگر به طور مستقیم به ذهنیت وی از کار و محیط آن بستگی دارد که از این نظر دستمزد تنها تعیین کننده بخش کوچکی از این ذهنیت است. موضوعات دیگری مانند غرور، عزت نفس، حس مشارکت، موفقیت، درک و تحقق ایده های کارگر و نهایتاً احترام گذاری از طرف افراد هم سطح و همکار، نیز از عوامل مهم در شکل دادن این ذهنیت است. البته اقتصاد نیز دلایل خاص خود را برای این ساده سازی دارد. بدین صورت که اگر نسبت به فروض اقتصادی مربوط به حداکثرسازی مطلوبیت بی اعتنا شویم و یا آن را ناکافی بدانیم، بسیار مشکل خواهد بود که از میان آنهوه فروض بتوانیم جایگزین مناسب انتخاب کنیم.

آیا سرمایه های اجتماعی می تواند بیرون از مرزهای نفع شخصی شکل بگیرد؟ برای این سؤال هم جواب مثبت و هم جواب منفی وجود دارد. به نظر می رسد برای پاسخ صحیح به این سؤال دو رویکرد وجود دارد. نخست اینکه فروض حداکثرسازی مطلوبیت شخصی را اساس قرار داده و سپس افق مکانی و زمانی را تا حد امکان گسترده کنیم تا سایر موارد خارج از نفع شخصی را نیز شامل شود. برای مثال فردی می تواند تحلیل های نظری بازبها را به حالت عدم اطمینان از آینده و بازبهای تکراری تعمیم دهد و یا اینکه فرض کند افراد پس از کسب الگوهای رفتاری، عکس العملی ناخودگانه در برابر وضعیتهای مختلف از خود نشان می دهند. در حالی که شخص دیگری ممکن است مدلی ارائه کند که در آن افراد رفتاری نوع دوستانه و توأم با همکاری است.

نگرش دوم با پذیرش این فرض که انسانها، ماهیتی نوع دوستانه و همکاریانه دارند و اینطور نیست که صددرصد دنبال منافع شخصی خود باشند، شروع می شود. سپس با جمع آوری شواهد و تجربیات می توانیم مشخص کنیم کدام رفتار رفتار انسانی است و کدام نیست بررسی دو نگرش بالا نشان می دهد که اگر چه نقطه شروع دو نگرش در تضاد کامل با هم قرار دارند و در دو جهت کاملاً متفاوت هستند ولی این دلالت بر این ندارد که نتیجه و مقصد آنها نیز حتماً فاصله زیادی از هم داشته باشند.

سرمایه های اجتماعی چتری برای نگرش ترکیبی

مفهوم سرمایه های اجتماعی ما را قادر می سازد با ترکیب نگرشهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، نگاهی بسیار وسیعتر و تحلیلی جامعتر داشته باشیم. تعامل دوجانبه این نگرشها همواره مورد بررسی و تحقیق قرار داشته است (جدول شماره 3) ولی علیرغم اینکه مفهوم اقتصادی ارتباط بین عوامل اجتماعی و تکنولوژیکی اهمیت خاص دارد و می تواند در تحلیل ها دید روشنتری ارائه کند، چنین نگرش سه گانه به مساله به ندرت به کار رفته است. از آنجا که تکنولوژی های مختلف، دارای صرفه جویی به مقیاس (economy of scale) و صرفه جویی به حدود (economy of scope) متفاوتی هستند غالباً اتفاق می افتد که يك تکنولوژی از لحاظ هماهنگی و تناسب با سرمایه های اجتماعی کشور به خوبی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته نشده باشد اجازه دهید در این مورد مثالهایی ارائه کنیم (شکل شماره 3)

تعامل تکنولوژی

نخست: دلیل اینکه گفته می شود سرمایه های اجتماعی نقش مهمی در توسعه دارند این است که این سرمایه ها، فرصتهایی به وجود می آورند که تکنولوژی های مدرن و جدید از طریق آنها در داخل جامعه سنتی نفوذ کنند. توسعه نیافتگی در واقع نتیجه اقتصادی هماهنگ نشدن عوامل تکنیکی و اجتماعی است. در حالی که توفیق اهداف توسعه ای نیازمند ترکیب و تعامل این دو عامل است.

دوم: درجه مطلوب نابرابری در درآمد آتی مثال دیگری از نبود نگرش ترکیبی است. از قدیم الایام چنین بوده که برای تعیین درجه نابرابری درآمد، نیاز به ملاک های برابری بوده است. مطالب زیادی نوشته شده است که براساس آنها از نقطه نظر کارایی درجه برابری در توزیع درآمد به میزان تواناییها و اثرات تحریک بخش بستگی دارد (با فرض، بی هزینه بودن پرداختهای انتقالی درآمدی). حال اگر پرداختهای درآمدی (income transfer) هزینه بر باشد که در واقعیت این گونه است و همچنین اگر نابرابری درآمدی از طریق عوامل اجتماعی بر عملکرد اقتصادی اثر داشته باشد، آنگاه ضروری به نظر می رسد که در تحلیلها این عوامل نیز به دقت مورد بررسی قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت درجه نادرست توزیع درآمد سبب نتایج ناگوار در عملکرد اقتصادی جامعه خواهد شد. به علاوه به حساب آوردن تکنولوژی نیز بسیار مهم است. زیرا همانگونه که میاکاوا (Miyakawa 2000) بیان کرده است، حتی زمانی که، توانایی افراد طی زمان تغییر نکند، متناسب با تغییر در تکنولوژی، توانایی مربوطه نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال تکنولوژی ICI جایگزین بخش قابل توجه ای از کارمندان اداری شده است. لذا درست است که توانایی کارمند تغییر نکرد، ولی ورود تکنولوژی جدید در توانایی مورد نیاز شده است.

بنابراین اگر بخواهیم درجه بهینه مالیات تصاعدي بر درآمد را به نحوی که برای مردم نیز قابل تحمل باشد مشخص کنیم ناچار از توجه به تمام این عوامل هستیم. سوم، علیرغم اینکه کشور ژاپن در دهه های 70 و 80 از لحاظ معرفی تکنولوژی ربات ها از آمریکا پیش بود ولی در بهره بردن از امتیازات تکنولوژی ICI نتوانست به اندازه همتای خود موفق باشد و این به دلیل برخی سرمایه های اجتماعی خاص مانند بازار کار ژاپن که دارای نیروی کاریدی انعطاف پذیر و نیروی کار اداری غیرمنعطف است، می باشد.

سرمایه های اجتماعی و مسائل مورد توجه جامعه

سرمایه های اجتماعی با مواردی در ارتباط هستند که اهمیت آنها در جامعه در حال رشد است دلایل متعددی نیز وجود دارد که نشان می دهد نگرش ترکیبی که قبلاً بیان شد اهمیت فراوانی یافته است.

اول اینکه در مقایسه با گذشته در کشورهای توسعه یافته، مردم کمتر حالت انسان اقتصادی دارند و فعالیتهای اجتماعی از جمله فعالیتهای فرهنگی، تفننی و همچنین انگیزه های غیرمادی برای کار کردن به نحو فزاینده ای اهمیت پیدا کرده اند.

دوم اینکه، در جهان امروز تکنولوژی ما به شدت در حال جهان شمول شدن هستند. در گذشته کشورهای مختلف تکنولوژی و سرمایه های اجتماعی خاص خود را داشتند که مناسب سایر کشورها نیز بود. ولی با جهانی شدن فعالیت های اقتصادی، کشورها بیشتر در معرض تکنولوژی های خارجی قرار دارند. اگر تکنولوژی وارداتی با سرمایه های اجتماعی موجود در کشور گیرنده در مغایرت باشد، کشور بر سر دوراهی انتخاب تکنولوژی و یا پایبند بودن به سرمایه های اجتماعی قرار می گیرد. اگر کشوری مانند کشورهای اسلامی در حمایت از تعالیم و اصول اجتماعی خود، مانع ورود تکنولوژی جدید شوند، سطح درآمد آن نه تنها به طور نسبی که حتی به طور مطلق نیز از طریق نشت تجاری کاهش می یابد. از طرف دیگر پذیرش تکنولوژی جدید، می تواند باعث بروز آشفتگی های اجتماعی شود. بهترین حالت زمانی است که سرمایه های اجتماعی به تدریج و متناسب با تکنولوژی های جدید تغییر کنند به نحوی که عوارض جانبی قبلی ظاهر نشود. به هر ترتیب باید پذیرفت که شوک های تکنولوژیکی و بخصوص آنهایی که از سایر کشورها سرچشمه می گیرند، به مانند يك عامل برونزای قوی عمل می کنند و از این جهت بر همه کشورهای، حتی کشورهایی که آنها را قبول نکرده اند، اثر می گذارند. بنابراین در جمع بندی می توان گفت که تبیین سیاست های اجتماعی باید براساس يك نگرش رو به جلو انجام پذیرد. به صورتی که کشور بتواند از يك طرف تکنولوژی های مفید و مدرن را قبول کند و از طرف دیگر فرایند تطبیق با این تکنولوژیها تسهیل شود و در عین حال اثرات جنبی منفی آن نیز حداقل شود.

سوم، علیرغم این تغییرات در سرمایه های اجتماعی، فعالیت دولت ها در صورت دادن تعدیلات لازم، بسیار کند بوده است. در کشورهای پیشرفته فعالیت های دولتهای مرکزی و محلی تنها این بود که براساس نوع کارهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی وزارت خانه ها و یا بخش ها را تفکیک و پست های جدی ایجاد کنند. ولی در فرایند صنعتی شدن، این کارها تنها تا حد خاصی قابل قبول است و بیش از آن حد نیاز به تلاش های گسترده تری است. استیگلیتز (1998 Stiglitz) و اوموری (Omory 2000b) نشان دادند که در فرایند توسعه اقتصادی برخی از جنبه های سرمایه های اجتماعی مانند روابط موجود در بازارها و نیز نهادهای مورد قبول مردم، به وسیله موارد از قبل طراحی شده مناسب جایگزین شده اند. این عمل، علیرغم اثرات منفی همراه خود، يك حرکت رو به جلو و پیشرفت است. در این حالت وظیفه اصلی وزارت خانه ها و بخشهای محلی این است که چگونه این سیستم جدید را پیشرفت بیشتری دهند. در گذشته اثرگذاری تکنولوژی های وارداتی مدت زمانی بیشتری به طول می انجامید. در حالی که امروزه با توجه به رابطه معکوس ولا شکل بین سرمایه های اجتماعی و مراحل توسعه، سرمایه های اجتماعی مجدداً به عنوان یکی از عناصر مرتبط با نگرش ترکیبی مورد توجه قرار گرفته است.

تعادل چندوجهی و مسیر وابستگی

اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقد هستند که اقتصاد در نهایت به يك تعادل یگانه می رسد در حقیقت اقتصاد کینزی نیز برای توضیح عدم تعادل موجود در اقتصاد کلاسیک به وجود آمد. ولی آن هم تنها عدم تعادل کوتاه مدت را توضیح می داد. در نظر آنها سیاستهای اقتصادی تنها اثرات کوتاه مدت و موقتی بر روند اقتصاد دارند. به هر حال از آن جایی که تعادل مربوط به سرمایه های اجتماعی ماهیتی چندگانه دارد، اگر تحلیل های اقتصادی جنبه های مربوط به سرمایه های اجتماعی نیز لحاظ کنند، می توانند دلیل اینکه چرا برخی کشورهای اقتصادی جنبه های مربوط به اهداف توسعه ای خود برسند و برخی نتوانسته اند، روشن می شود.

کدام يك از كانالهاي اثرگذاري مهم هستند

در میان کانالهایی که اقتصاد از طریق آنها اثر می‌گذارند، کدام مهم تر هستند. بدون شك پاسخ این سؤال مستلزم تحقیقات وسیعی است ولی فی الجمله به مواردی که تا این لحظه خود را به عنوان کانالهای مهمی مطرح کرده اند اشاره می‌کنیم:

- اثرگذاري بر ساختار سرمایه های اجتماعي

- ایجاد فرصتهای شغلی شبکه ای

- استفاده اقتصادی از اثرات غیراقتصادی مانند انگیزه های غیرمادی برای کار در جهت افزایش بهره وری و رشد سلامت و...

سیاستهایی برای پیشرفت سرمایه های اجتماعي

چه سیاستهایی می‌تواند باعث تشویق و ترویج سرمایه ها اجتماعی شود با توجه به اینکه سرمایه های اجتماعی، مسائلی چند بعدی هستند، نمی‌توان سیاستهای مناسب برای آنها را به طور کامل مورد مطالعه قرار داد. بدون شك سیاستهای اجتماعی همانند حمایتهای مالیاتی، بیمه بیکاری، مستمری خانوارهای بی سرپرست و غیره، در بقاء سرمایه های اجتماعی و حتی ترویج آن از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

در مقابل این سؤال هم مطرح است که چه سیاستهایی باید به کار برد که باعث آسیب دیدن سرمایه های اجتماعی نشود پاسخ به این سوال بسیار مشکل است. زیرا هنوز اطلاعات مناسبی از نحوه تضعیف و نابودی سرمایه های اجتماعی در دست نیست که بتوان براساس آن پاسخ صحیح ارائه داد. ولی در کل می‌توان به برخی سیاستهای مفید در این مورد اشاره کرد:

نخست اینکه اولویت آموزش، از درس دادن بخش خاصی از علوم به دانش آموزان، به طرف تربیت انسانهای متمدن، وجهه و قابل احترام تغییر جهت دهد. همچنین به دانش آموزان فرصت بحث و کنکاش بیشتر، انجام پروژه‌های اختیاری، مطالعات گروهی و کسب تجربیات موفقیت آمیز داده شود و در کنار آن تعداد آموزگاران که تجربه شغل دیگری دارند نیز افزایش یابد.

دوم: احساس ثبات در فرصت های شغلی، امید به مستمری ها، احساس امنیت در زندگی روزانه و مواردی از این قبیل که به عنوان پیش فرض های مهمی برای ایجاد نگرش مثبت در جامعه، هستند افزایش پیدا کنند. به هر حال اگر قرار باشد از بین کارایی و امنیت یکی فدای دیگری شود، تعادل بهینه در جامعه به وجود نخواهد آمد. سوم: در مورد استفاده کامل از امتیازات يك تکنولوژی جدید مانند اینترنت، قوانین جدیدی مانند اینکه يك فرد چقدر می‌تواند از اطلاعات شخصی دیگران استفاده کند مطرح شود. همچنین در مواردی مانند پول داخلی، قوانین جدیدی در زمینه مالیات و حقوق مدنی می‌توان وضع کرد.

چهارم: سیاستهای مربوط به مالیات و محدوده فعالیت سازمانهای غیردولتی، نیز از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی هستند که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

یکی از مباحث مشکل در این مقوله، سیاستهای مهاجرتی است. از يك طرف مهاجرت ها با ایجاد تنوع در جامعه باعث غنای سرمایه های اجتماعی می‌شوند و از طرف دیگر باعث به هم خوردن توزان طبقاتی در مناطق و شهرها شده و لذا زمینه نابرابری و رشد جرائم را فراهم می‌آورد.

از دیگر سیاستهای مربوطه می‌توان به مواردی مانند استفاده انعطاف پذیر از تسهیلات عمومی برای فعالیت های گروهی، کوتاه شدن زمان اضافه کاری و ارتقاء تعداد ساکنان مالک خانه، اشاره کرد.

جمع بندی

سرمایه های اجتماعی از طریق اثرگذاري بر رفتار بنگاهها، خانوارها و دولت بر عملکرد اقتصادی جامعه اثر می‌گذارند. در این مقاله به 18 کانال مختلف برای این اثرگذاري اشاره شده است البته بیشتر آنها قبلاً در چارچوب تئوری های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته اند. ابزارهای تحلیلی اقتصاد همیشه یکسان عمل می‌کنند ولی ویژگی های پیچیده سرمایه های اجتماعی مانند اثرات خارجی اثرات گروهی، نامشهود بودن متغیرها و غیره سبب کنسل شدن تحلیل آنها شده است.

در مقایسه با سرمایه های فیزیکی و انسانی، بروز خصیصه سرمایه بودن در سرمایه های اجتماعی کم رنگ تر است. لذا استفاده مستقیم از تئوری های مربوط به سرمایه های فیزیکی و انسانی برای سرمایه های اجتماعی می‌تواند گمراه کننده باشد.

سرمایه های اجتماعی در سه مورد می‌تواند کمک بزرگی باشد. اول: به ما کمک می‌کند از فروض صددرصد اقتصادی فاصله بگیریم و در تحلیلهای خود در مورد رشد بهره وری مواردی مانند رفتار نوع دوستانه و همکاری و انگیزه های غیرمادی برای کار را نیز لحاظ کنیم. دوم: سرمایه های اجتماعی به ایجاد يك نگرش ترکیبی که از تعامل سه جانبه عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی به دست می‌آید کمک بزرگی می‌کند. سوم: سرمایه های اجتماعی ما را در محیطی فراصنعتی و جهانی شده با مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می‌شود، روبرو می‌کند و در عین حال بخش دولتی را مجبور می‌کند نگرش ترکیبی که سرمایه های اجتماعی در آن لحاظ شده را سرلوحه کار خود قرار دهد.

اجاره منافع حاصل از اثرات اجتماعی که به نیروی کار، سرمایه و مالکان زمین تعلق می‌گیرد به جهت و منشأ اثر و تحرك عوامل بستگی دارد.

ارائه شده در سمینار کاربردهای اقتصادی سرمایه های اجتماعی، توکوی، 24 و 25 مارس 2003 مرکز تحقیقات اقتصادی و اجتماعی دولت ژاپن «تاکاشی اوموری» ترجمه:

محمدرضا توکل‌نیا (دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق)